

کمال الدین و تمام النعمه

محمد کاظم رحمان ستایش

از جمله مهمترین مسائلی که مذهب شیعه دوازده امامی را از سایر مذاهب ممتاز می سازد، اعتقاد به دو رکن اساسی است:

رکن اول: امامت پس از پیامبر به نص ثابت می شود.

رکن دوم: زمین، هیچ گاه خالی از حجت و امام نخواهد بود. امام دوازدهم زنده است و تا آن زمان که دنیا برقرار است، حجت خدا هم خواهد بود.

دانشمندان شیعه در کتب علمی خویش به تحلیل و تایید و اثبات این دو رکن پرداخته اند تا عصر امامت حضرت امام حسن عسکری (ع) همت بزرگان شیعه مصروف اثبات رکن اول گردید و پس از ایشان، اثبات رکن دوم نیز به رکن اول افزوده شد. و به این ترتیب کتابها و رساله های مختلفی در موضوع امام عصر (عج) و غیبت ایشان تالیف شد. از جمله کتابهایی که در آن عصر به رشته تحریر درآمده، کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق است. با وجود این که وی اولین کسی نیست که در این موضوع دست به تالیف زده است و لیکن کتاب وی از اولین کتابها و در عین حال مستندترین آنها در مساله غیبت است.

با آنکه مرحوم شیخ در زمان تالیف کتاب فقط ۱۰۷ سال از غیبت امام عصر (عج) را پشت سر نهاده بود. اما ادله ثبوت انبیاء و اولیاء و اشخاصی را در طول تاریخ آورده است تا غیبت و طول عمر آن حضرت بعید از نظر ننماید.

نام کتاب

در مصادری که فهرست تصنیفات شیعه در زمانی نزدیک به عصر شیخ صدوق اند، همچون فهرست «نجاشی» و فهرست «شیخ» نامی از این کتاب در مجموعه تالیفات شیخ نیامده و تنها رساله های متعدد غیبت و مباحثات شیخ بارکن الدوله در آنها ذکر شده است. و در مصادر بعد از آن عصر، نام کتاب با عنوان «کمال الدین و تمام النعمه» آمده است.

وجه تسمیه این کتاب آن است که امامت در نظر شیخ کمال دین و کمال نعمت است و مرحوم شیخ در آخرین باب کتاب که «نوادر» نام گرفته است، در توصیف امامت می گوید:

«بها کمل الدین و تمت النعمة»

«با امامت دین کامل شد و نعمت را تمام گردید». (۱)

همو در روایتی از امام رضا(ع) نقل می کند که ایشان فرمود:

«امر الامامة من تمام الدین»

«امامت نشانه تمامیت دین است» (۲)

با توجه به گفتار حضرت رضا(ع) و عبارت شیخ صدوق، همان عنوان «کمال الدین و تمام النعمة» برای کتاب صحیح است. لکن کتابشناس بزرگ معاصر مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب پراج «الذریعة فی تصانیف الشیعه» نام این کتاب را «اکمال الدین و اتمام النعمة» ذکر کرده است. (۳) مرحوم صفایی خوانساری نیز در کتاب خود «کشف الاستار عن وجوه الکتب و الاسفار» این کتاب را به همین عنوان آورده است. (۴) روشن است که مرحوم خوانساری به کلام «الذریعة» استناد کرده است.

مرحوم شیخ آقا بزرگ در فهرست کتابهایی که نام آنها با کاف شروع می شود نیز نام این کتاب را آورده و در پی آن می فرماید: «ظاهر آن است که نام کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمة باشد»، (۵) و دلیل خاصی بر این مدعا ندارد.

مؤلف کتاب

نویسنده این کتاب، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی ابن بابویه، مشهور به شیخ صدوق است. وی به دعای حضرت حجت (عج) به دنیا آمده است. مشایخ روایی قم چنین روایت می کنند که پدر شیخ صدوق دختر عموی خود را در نکاح داشت و از او فرزندی نیاورده بود. وی نامه ای به حسین بن روح (س) - نایب خاص امام عصر (عج) در غیبت صغری - نگاشت، تا از حضرتش درخواست کند برای او فرزندان دانشمند از خدا بخواهد.

پس از سه روز به وی خبر رسید که آن حضرت برای علی بن حسین، پدر شیخ صدوق دعا فرمودند و بزودی فرزندی مبارک برای وی متولد خواهد شد و از او اولاد متعدد خواهد بود. (۶)

مرحوم شیخ خود به این جریان مباحثات و افتخار می نمود.

بطور دقیق تاریخ تولد مرحوم شیخ روشن نیست. اما به قرائنی می توان گفت که تولد وی پس از سال ۳۰۵ ق بوده است. بعضی این تاریخ را ۳۱۱ ق گفته اند. اما تاریخ وفات وی بدون هیچ اختلافی ۳۸۱ ق نقل شده است.

وی از بزرگان و شیوخ روایت در عصر خویش و دارای تالیفات زیادی بوده است. بحث از وی و تاریخ حیات او، خود مقالی دیگر می طلبد.

سبب تالیف کتاب

شیخ صدوق خود در مورد سبب تالیف این کتاب می گوید:

«آنچه که مرا به نگاشتن این کتاب واداشت این بود که هنگامی که سفر زیارت حضرت علی بن موسی الرضا(ع) را به انجام رساندم، به نیشابور بازگشتم و در آن شهر اقامت نمودم. اکثر شیعیانی را که با من رفت و آمد داشتند در موضوع غیبت امام عصر متحیر یافته‌ام. در مورد قائم آل محمد بر ایشان شبهه رخنه کرده بود. آنها از راه تسلیم، به راه قیاس و رای عدول کرده بودند. پس تمام سعی خویش را در ارشاد آنها با اخبار رسیده از پیامبر و ائمه اطهار، به سوی راه حق و صواب مصروف داشتم.»

سپس وی جریان برخوردش با محمد بن صلت قمی نقل می کند و می گوید:

«وی روزی با من گفتگو می کرد که کلام مردی از بزرگان فلسفه و منطق در مورد حدیث قائم (عج) به میان آمد. این امر موجب حیرت و شک وی در این موضوع شده بود. پس بحثهایی در اثبات وجود امام و روایات غیبت ایشان از پیامبر و ائمه نقل نمودم، که موجب اطمینان نفس وی گردید. شک و شبهه ای که در او رخنه کرده بود از قلب وی ناپدید گشت. اخبار صحیحی را که بر او خواندم به گوش شنید و آنها را به اطاعت و قبول و تسلیم، پذیرفت.»

همو از من خواست که در این باره کتابی تصنیف کنم. پس درخواست او را اجابت نمودم و وعده کردم هر زمان که توانستم به وطنم، ری بازگردم این کار را خواهم کرد.

شبی خواب بر من غلبه کرد و چنین در خواب دیدم که در مکه در حال طواف خانه خدا و در دور هفتم طواف کعبه در کنار حجرالاسود بودم بر آن دست می مالیدم و آن را می بوسیدم و می گفتم: «امانت را رساندم و پیمانم را وفا کردم، تو شاهد بر وفای من باش.»

ناگهان آقا صاحب الزمان (عج) را ایستاده بر درگاه کعبه یافتم. با فکری مشغول و خاطری پریشان به ایشان نزدیک شدم. او از حالت چهره ام، نهان جانم را دانست. بر وی سلام کردم، پس جواب فرمود. سپس به من فرمود: «چرا کتابی در غیبت نمی نویسی تا تو را از این غم برهانند؟» «پس گفتم: ای فرزند رسول خدا! مطالبی در غیبت نوشته ام. پس فرمود: آنها بر روش منظور نیستند. تو را امر می کنم که الان کتابی در موضوع غیبت تصنیف کنی و غیبتهای انبیاء خدا را در آن ذکر کنی. پس از آن حضرت گذشت و رفت. از خواب بیدار شدم و به دعا و گریه و زاری آن شب را به فجر رساندم، صبح همان روز به قصد اطاعت امر ولی خدا و حجت وی، شروع به تالیف این کتاب نمودم.» (۷)

شیخ صدوق در این کتاب بخوبی از عهده امتثال و اطاعت امر، برآمده است و حق مطلب را بخوبی ادا نموده است.

تاریخ تالیف کتاب

ابن بابویه در سال ۳۵۲ ق قصد سفر از ری نمود. وی با کسب اجازه از رکن الدوله، امیر ری در رجب همان سال راهی مشهد گردید. (۸) در این مسیر، وی در ماه شعبان در نیشابور اقامت گزید. بر این اساس، جمعی تالیف این کتاب را در آن سال دانسته اند. لکن مرحوم شیخ در سفر دیگری به سال ۳۶۷ ق به ماوراءالنهر و مشهد مسافرت نمود. وی در روزهای ۱۷ و ۱۸ ذی حجه آن سال در مشهد بود. پس از آن شیخ به نیشابور رفت و تا شعبان ۳۶۸ ق در آنجا اقامت گزید. (۹) وی در ۱۹ شعبان همان سال عازم ماوراءالنهر گردید.

با توجه به نقل بعضی از روایات کتاب کمال الدین، از مشایخ حدیث ماوراءالنهر، روشن می شود که این کتاب پس از این سفر تالیف شده است. همچنین از مقدمه کتاب روشن می شود که ابن بابویه در بازگشت

از ماوراءالنهر برای زیارت مجدد وارد مشهد شد. پس از این سفر به نیشابور رفت و مدتی در آنجا سکنی کرد. شیخ صدوق در این زمان بود که به تبلیغ اعتقاد شیعه در مورد غیبت پرداخت و حداقل بخشی از این کتاب را تألیف کرد.

نظر اجمالی به مطالب کتاب

مرحوم شیخ در مقدمه مفصل این کتاب به بحثهای مهم و جالبی پرداخته است: ۱- وی در این مقدمه با استشهاد به آیه شریفه:

«اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه» (۱۰)

مطالب زیادی در مورد خلافت و امامت بیان نموده است و آن را حجت بر غیبت امام عصر (عج) می شمارد. پس از آن به رد مذاهبی که غیبت امام مهدی (عج) را نپذیرفته اند، می پردازد.

ابتدا بیان سید حمیری در رد بر «کیسانیه» که قائل به امامت و غیبت محمد بن حنفیه، فرزند امام علی(ع) را آورده است، چه آنکه خود سید حمیری زمانی از این فرقه بوده است.

پس از آن «ناووسیه» را - که قائل به غیبت امام صادق(ع) - و «واقفیه» را - که قائل به غیبت امام کاظم(ع) یا امام عسکری(ع) هستند - با روایات وفات این امامان، رد می کند.

وی رساله جوابیه «ابن قبه رازی» متکلم و شیخ طائفه امامیه در عصر خویش را در جواب شبهه بعضی «معتزله»، بطور کامل در مقدمه گنجانیده است.

در مقام رد بر «زیدیه» نیز رساله دیگری از «ابن قبه» را آورده و خود نیز به پاسخ بعضی از شبهات ایشان به صورت مستقل پرداخته است.

وی پس از این مقدمه طولانی در ضمن ۵۸ باب مطالب کتاب را سامان داده است. مباحث این کتاب را - چنانکه خود شیخ هم در پایان مقدمه اشاره دارد - می توان به پنج مطلب کلی دسته بندی کرد، که عبارتند از:

۱. اخبار انبیاء و اولیایی که غیبت داشته اند.

وی در ضمن ۷ باب، به غیبت پیامبرانی چون ادریس و نوح و صالح و ابراهیم و یوسف و موسی (ع) و اوصیاء آنها پرداخته است. همو در ۱۳ باب دیگر، قضایای بشارت حضرت موسی و عیسی (ع) و پیروان ایشان به ظهور پیامبر اسلام را بیان می دارد. این روایات شاهد بر غیبت زمانی آن حضرت هستند. چه آنکه نام و یاد آن حضرت قرن‌ها پیش از ایشان در دل مؤمنان بوده است. اما وجود شریف آن حضرت، پس از زمانی طولانی ظهور یافت.

۲. لزوم امامت و اثبات امامت دوازده معصوم (ع)

وی در این قسمت نیاز به امام معصوم در هر عصر و اتصال وصایت از زمان حضرت آدم تا خاتم را در دو باب مستقل با روایات اثبات نموده است. و سپس در ۱۹ باب مختلف به تصریح خداوند و پیامبر و یکایک معصومین (ع) بر امامت حضرت مهدی و غیبت آن حضرت پرداخته است. مرحوم شیخ در هر یک از این ابواب تمامی روایات - اعم از صحیح و سقیم - را ذکر کرده است. لکن تنها به روایات صحیح استدلال می نماید.

۳. ولادت حضرت مهدی (عج) و اخبار مربوط به آن حضرت.

شیخ در ۵ باب اخبار میلاد آن حضرت و والدین ایشان و اخبار کسانی را - که به حضور ایشان تشریف یافته اند - جمع آوری کرده است.

۴. نامه هایی که از ناحیه آن حضرت صادر شده است.

این نامه ها که اصطلاحاً «توقیع» نامیده می شود، در زمان غیبت کوتاه مدت آن امام (۲۶۰-۳۲۹) ه ق به توسط وکلاء خاص ایشان به اشخاص مختلفی رسیده است. مرحوم شیخ ۵۲ توقیع را از آن حضرت نقل می کند.

۵. عمر طولانی حضرت حجت (عج)

از جمله مواردی است که توسط منکرین غیبت، به آن استشهاد می شود. استبعاد و خارق العاده بودن عمر آن حضرت، همواره یکی از موضوعات اشکال برانگیز بوده و هست. مرحوم شیخ در طی ۹ باب، احادیث مختلفی که عمر طولانی بعضی از انبیاء و اولیاء گذشته را اثبات می کند جمع آورده کرده است. وی به این وسیله در مقام رفع شبهه برآمده است. نکته قابل توجه آنکه با توجه به تاریخی که برای تالیف کتاب ذکر شد، و ملاحظه آنکه غیبت کبری از سال ۲۶۰ ق آغاز شده است. تنها ۱۰۷ سال از غیبت آن حضرت می گذشته است که مرحوم شیخ به دفع شبهه پرداخته است.

وی در این باب داستانهایی را نیز از عمر طولانی بعضی از انسانها آورده است. خود ایشان وجه ذکر این داستانها را چنین می گوید: «اینگونه اخبار تاریخی مستند ما در مساله غیبت و وقوع آن نیست. چه آنکه به روایات صحیح، از پیامبر (ص) و ائمه اطهار(ع) این مساله به اثبات رسیده است. اسلام و شریعت و احکام آن، همه با روایات ایشان قابل اثبات است». (۱۱)

سپس خود به بیان مقصود از نقل این قضایا می پردازد و می گوید:

«همه مردم به اینگونه اخبار تمایل دارند. با اطلاع به این داستانها، تمایل بر اطلاع به سایر مطالب کتاب پیدا می کنند. و با خواندن کتاب، مؤمن از آن بصیرت بیشتر می یابد و برمنکر، حجت خداوند اثبات می شود. متحیران و شکاکان به بحث و بررسی در غیبت خوانده می شوند و چه بسا که هدایت یابند». (۱۲)

در پایان کتاب ایشان، بابی را منعقد نموده و موضوع آن را «نوادر کتاب» نامیده است. باید دانست بطور معمول بابهایی را محدثان نوادر می نامند که بخش الحاقی به کتاب، پس از تالیف کتاب، شمرده می شوند.

اما مقصود شیخ از نگارش این باب رد قول به «فترت» یعنی انقطاع موقت امامت است.

مرحوم شیخ، پس از نقل هر حدیث، بیانی در نحوه استدلال به آن در نفی فترت دارد.

این کتاب دو مرتبه به صورت چاپ سنگی منتشر شده، یکبار هم در نجف اشرف چاپ حروفی شد و بار دیگر در ایران با ترجمه چاپ شد. اما متأسفانه غلطهای بسیاری در این نسخه ها یافت می شود.

چندی پیش جناب آقای «علی اکبر غفاری» به تصحیح این کتاب پرداختند و به همت ایشان مجدداً طبع گردیده است، مؤسسات مختلفی متن تصحیح شده توسط ایشان را چاپ و منتشر نموده اند.

بجا است که بحث دقیق و علمی در رابطه با اسناد این کتاب صورت گیرد. ان شاء الله

پی نوشتها

- ۱- کمال الدین و تمام النعمه؛ ص ۶۵۸
- ۲- همان ماخذ؛ ص ۶۷۶
- ۳- الذریعة الی تصانیف الشیعه؛ ج ۲، ص ۱۸۵
- ۴- کشف الاستار عن وجوه الکتب و الاسفار؛ ج ۳، ص ۳۳۹
- ۵- الذریعة الی تصانیف الشیعه؛ ج ۱۸، ص ۱۳۷
- ۶- کمال الدین و تمام النعمه؛ ۵۰۲ ح ۳۱ و کتاب الغیبه، شیخ طوسی: ۱۸۸، ۱۹۵ و رجال نجاشی: ۲۶۱
- ۷- همان؛ ۳، ۲
- ۸- عیون اخبار الرضا؛ ج ۲، ص ۲۴۸
- ۹- الامالی؛ ۱۰۳، ۱۰۶، ۴۸۷
- ۱۰- سوره بقره؛ آیه ۳۰
- ۱۱- کمال الدین و تمام النعمه؛ ۶۳۸
- ۱۲- همان؛ ۶۳۹

منبع:

موعود ۱۳۷۵ پیش شماره ۲